صدور «اقرئوا کما یقرأ الناس» قبل از قرائات سبع و تمسک به اجماع در قرائات

شاگرد: حضرت اختصاص قرائت را می‌فرمایند. حضرت یک قرائت را تعیین می‌کنند.

استاد: جواب شما را در یک کلمه از مرحوم آقای حکیم می‌دهم. آن چه که الآن همه می‌گویند، این است که چرا شیعه این قرائات را جایز می‌دانند؟ می‌گویند همان زمان ائمه بوده‌اند لذا «اقرئوا کما یقرأ الناس». یکی از دقیق‌ترین مواضع مستمسک همین جلد ششم، صفحه دویست و چهل و پنج است. آقای حکیم به همین روایات دو جواب محکم می‌دهند که مطابق با واقع است. اشکال درستی است. می‌گویند شما می‌گویید علماء به قرائات سبع اجماع دارند. کسائی و عاصم و حمزه و ... . می‌گویند این روایت «اقرئوا کما یقرأ الناس» وقتی آمد که اینها نبودند. کسائی بعد از این روایت آمده و مختار دارد. زمان امام صادق بگویند «اقرء کما یقرأ الکسائی»؟! بعد هم اجماع شیعه بشود که کسائی مجزی است؟! این معقول است که امام بفرمایند «اقرئوا کما یقرأ الناس» بعد علماء شیعه بر این اجتهاد کسائی اجماع کنند؟! این معقول است؟! این را آقای حکیم فرموده‌اند.

> **ومن هذا كله يظهر لك الإشكال في حمل النصوص المذكورة وغيرها على خصوص قراءة السبعة ، وأن أنها القدر المتيقن منها ، لصدورها عنالصادق (ع) والكاظم (ع) قبل حدوث بعض هذه القراءات أو قبل اشتهاره والا سيما قراءة الكسائي فكيف يحتمل أن تكون مرادة بهذه النصوص؟ بل مقتضى النصوص اختصاص الجواز بما كان يقرؤه الناس في ذلك العصر ال غير ، فيشكل الشمول لبعض القراءات السبع إذا لم يعلم أنها كانت متداولة وقتئذ. هذا ولكن الظاهر من النصوص المنع من قراءة الزيادات التي يرويها أصحابهم (ع) عنهم (ع) والا نظر فيها التي ترجح قراءة دون أخرى فتكون أجنبية عما نحن فيه. والذي تقتضيه القاعدة أن ما كان راجعا ً الى الاختلاف في الأداء من الفصل والوصل ، والمد والقصر ، ونحو ذلك ال تجب فيه الموافقة لاحدى القراءات فضلا عن القراءات السبع. وما كان راجعا ً الى الاختلاف في المؤدى يرجع فيه الى القواعد المعمول عليها في المتباينين ، أو الأقل والأكثر ، أو التعيين والتخيير ، على اختلاف موارده ، لكن يجب الخروج عن ذلك بالإجماع المتقدم عن التبيان ومجمع البيان ، المعتضد بالسيرة القطعية في عصر المعصومين (ع) على القراءة بالقراءات المعروفة المتداولة في الصلاة وغيرها من دون تعرض منهم (ع) للإنكار ، والا لبيان ما تجب**

> قراءته بالخصوص الموجب للقطع برضاهم (ع) بذلك كما هو ظاهر.[1]

«ومن هذا كله يظهر لك الإشكال في حمل النصوص المذكورة وغيرها على خصوص قراءة السبعة»؛ که مدام می‌گویی اجماع است. چرا؟ **«لصدورها عن الصادق (ع) والكاظم (ع) قبل حدوث بعض هذه القراءات أو قبل اشتهاره والا سيما قراءة الكسائي»**؛ کسائی نزدیک دویست وفات کرده است. بعد از شهادت امام کاظم که سی و پنج سال امامت حضرت بود، تازه وفات کرده است. حال جزء اجماع امامیه شد؟! ایشان می‌گویند معقول است که این نصوص را بر آن حمل کنید؟! اشکال قوی و خوبی است.

دوم؛ **«هذا ولكن الظاهر من النصوص المنع من قراءة الزيادات»**؛ در روایت کافی دارد که می‌گوید دیدیم کسی دارد محضر حضرت قرائتی را می‌خواند ولی «لیس کما یقرئون»، حضرت فرمودند «کف عن هذه القرائة»؛ چرا این جور می‌خوانی؟! «اقرء کما یقرأ الناس». دارند منع از قرائات شاذه می‌کنند. روایت اصلاً در صدد تأیید هفت، هشت، ده قرائت نیست. «کما یقرأ الناس»؛ خب «کما یقرأ الناس» چیست؟ نمی‌دانیم آن زمان کدامش بود. واقعاً احراز شخت است. آقای حکیم می‌گویند باید احتیاط کنیم. از مواضع دقیق مستمسک است. لذا می‌فرمایند: حال که این جور شد: **«ولا نظر فيها التي ترجيح قراءة دون أخرى فتكون أجنبية عما نحن فيه»**؛ درست است. یعنی تمام این روایاتی که می‌فرمایند «اقرئوا کما یقرأ الناس»، به درد قاعده فراغ نمی‌خورد. اشتغال یقینی برائت یقینی می‌خواهد. حال قراء سبعه را چه کار کنیم؟ می‌فرمایند:

«والذي تقتضيه القاعدة أن ما كان راجعاً الى الاختلاف في الأداء من الفصل والوصل»؛ آن چه که مربوط به ادا است، مشکلی ندارد. اما آن جا که معنا تغییر می‌کند، کلام خدا است، وحی الهی است، لذا باید قواعد احتیاط و اقل و اکثر را اجراء کنیم. مرحوم آقای خوئی در البیان دارند، ایشان هم دارند؛ می‌گویند حق این است که باید دو نماز بخوانند. چرا؟ چون اشتغال یقینی به نماز دارید، من در نماز «ملک» خواندم، آیا قرآن قرائت کرده‌ام یا نه؟ «لا صلاة الا بفاتحة الكتاب»، لذا ایشان می‌گویند باید دو نماز بخوانید. خب ببینید کار مشکل می‌شود. حال آقای حکیم می‌گویند روایت هم که رفت. چه کار کنیم؟ این خیلی مهم است. الآن جواب کاشف الغطاء را می‌دهند؛ می‌گویند:

«لكن يجب الخروج عن ذلك»؛ خروج از اینکه دو نماز بخوانیم و آن قواعد را مراعات کنیم، « **بالإجماع المتقدم عن التبيان ومجمع البيان، المعتضد بالسيرة القطعية في عصر المعصومين (ع) على القراءة بالقراءات المعروفة المتداولة في الصلاة وغيرها من دون تعرض منهم (ع) للإنكار**»؛ می‌گویند شیعه از معصومین یک سؤال نپرسیدند که ما در نماز این را بخوانیم یا آن را بخوانیم. آقای خوئی می‌گویند حتی یک روایت ضعیف هم نداریم که بیایند سؤال کنند. می‌گویند این اجماع کافی است. نباید دو نماز بخوانیم.

---

[1] مستمسك العروة الوثقى نویسنده : الحكيم، السيد محسن جلد : ۶ صفحه : ۲۴۵

بازبینی #4
ایجاد شده 27 نوامبر 2025 13:07:24 توسط ... .
به روزرسانی شده 24 فوریه 2026 15:19:53 توسط ... .